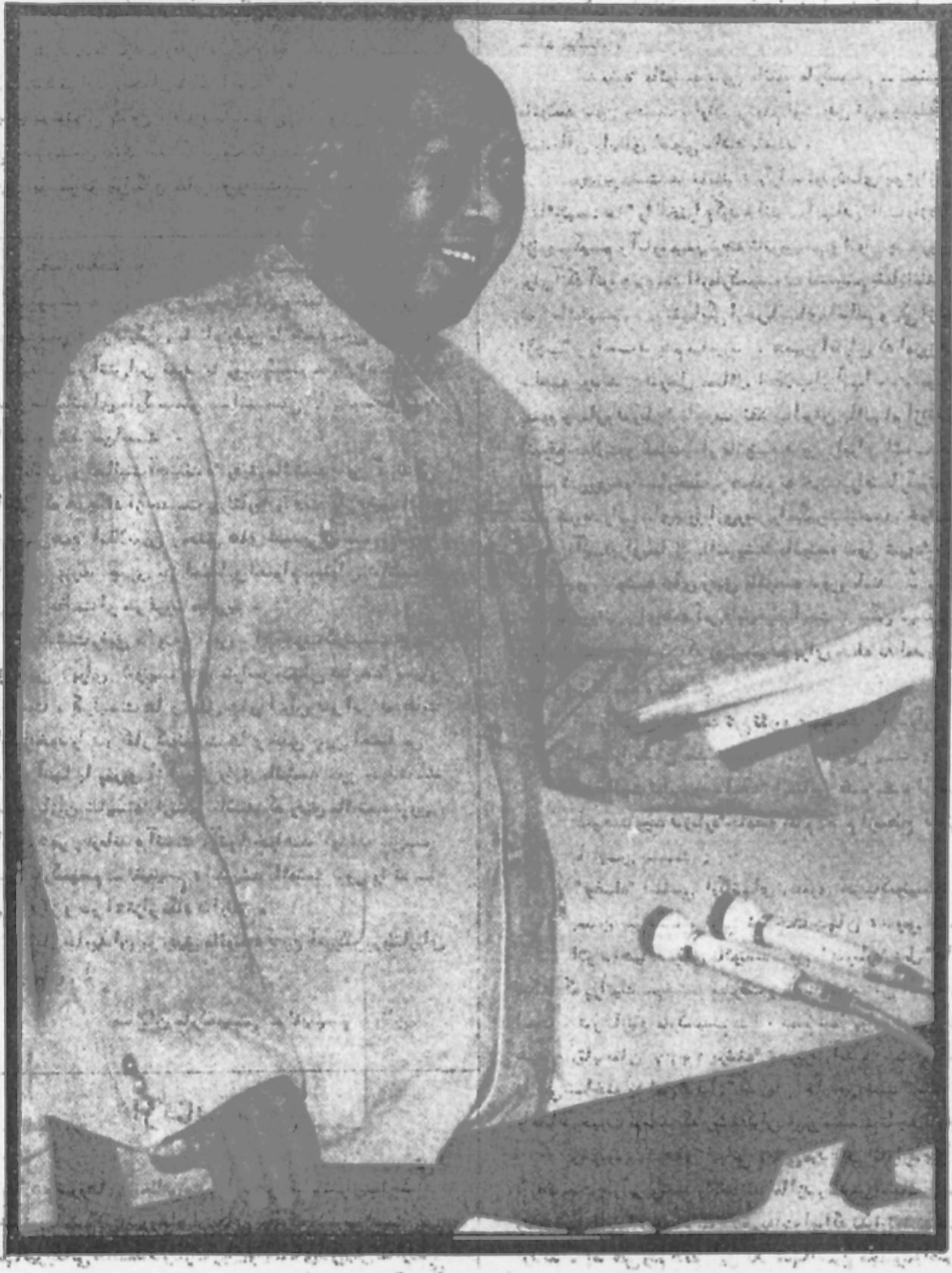


افتخار جاودان بر رفیق مائوتسه دون



« ماتم خود را به نیرو تبدیل کنیم »

نامه تسلیت سازمان توفان به حزب کمونیست چین

جمعه ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۶

به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
رفقای گرامی

خبر اندوهناک و هوار درگذشت رفیق مائوتسه دون، مارکسیست لنینیست بزرگ، انقلابی پرولتری تزلزل ناپذیر، آموزگار و رهبر خردمند حزب کمونیست چین و خلق چین، آموزگار عالیقدر پرولتاریای جهان و خلق های انقلابی، همه کمونیست های ایران و خلقها ایران را در ماتم و اندوه عمیق فروبرد. خلق چین و خلق های جهان با مرگ رفیق مائوتسه دون بدوست گرانمایه و غمناک خود را از دست داده اند.

در واقع سراسر زندگی و فعالیت این بزرگ مرد بزرگ در خدمت به خلق، در خدمت به انقلاب بخاطر خلق گذشت. او خلق را دوست میداشت و به آن ارج فراوان میگذاشت. همه مشکلات انقلاب را با سرینجه توانای خلق میکشید. او به این حقیقت که خلق آفریننده تاریخ است ایمان عمیق و بی پایان داشت. او از میان خلق برخاست زندگی خود را در خدمت خلق گذراند و سرانجام در آغوش خلق جای گرفت. او توانست آرمانهای والای خلق چین را دریابد، راه نیل به آنها را نشان دهد و خلق را با بشی تا پایان انقلابی به پیروزی رهنمون کرد. عظمت و بزرگواری رفیق مائوتسه دون در همین است. رفیق مائوتسه دون یگانگ راه نجات خلق چین را در سوسیالیسم میدانست و با تحقق سوسیالیسم خلق چین را رهائی بخشید. او حزب پرافتخار کمونیست چین را تاسیس کرد. علیه گرایشهای چپ و راست در آن بسیار به برخاست. پس از آنکه رهبری حزب بوی سپرده شد آنها براه مارکسیسم خلق کشانید و با شی و آموزش انقلابی خود آنها بد ارج عالیست ارتقا داد. او به ایجاد ارتش سرخ هیت گماشت، آنرا بزرگوار خلق گردانید، در کوره نیردهای انقلابی آبدیده و آزوبه ساخت و به آن روح قهرمانی بخشید. او جمهوری تودهای چین را پایه گذارد و از چین فرزند نیمه مستعمره و نیمه فئودال، چینی نون، کشوری سوسیالیست، نیرومند، در انقلاب جهانی پدید آورد. همان چین نون درخشان و با عظمتی که پارها در آثار خود از آن یاد کردیم بود. او با انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی که خود مبتکر و رهبر آن بود، صدها میلیون خلقی چین را علیه رهن رهنیم علیه ایدئولوژی بورژوازی و سنت های پوسیده جامعه کهنه برانگیخت و عناصر هوادار شی ضد انقلابی را که در بالای حزب، دولت پرولتری و ارتش جای گرفته بودند در هم شکست، دیگتوری پرولتاریا را استحکام بخشید. شی پرولتاریائی را بر تمام شیون جامعه سلط ساخت. انقلاب فرهنگی ایدئو دستان مارکسیست لنینیسم و سوسیالیسم را کهنه احیای سرمایه داری در چین دل بسته بودند به ناامیدی تبدیل گردانید.

همه دستاوردهای شرف خلق چین طی بیش از نهمین با نام، زندگی و فعالیت رفیق مائوتسه دون در آمیخته است. رفیق مائوتسه دون با انطباق خلق دانش پرولتاریا بر شرایط مشخص چین مارکسیسم - لنینیسم را تکامل بخشید و به مرحله عالیتری ارتقا داد. دفاع از

اندیشه مائوتسه دون و رویزیونیسم

در شب ۹ سپتامبر رفیق مائوتسه دون آموزگار بزرگ و رهبر محبوب خلق چین چشم از جهان فرو بست و از خود تاریکی تئوریک گرانمایی برجای گذاشت که مانند شعله فروزان بر راه انقلابات پرولتاریائی پرتوی افکند و انقلابیون را در این راه رهنمون میشود. اینکه اندیشه مائوتسه دون روشنی بخش راه انقلاب است به این معنی نیست که کافی است آثار این انقلابی بزرگ را فرا گرفت برای آنکه راه انقلاب را از بیراهه شناخت و مستقیم بود و بر بخورد با موانع و مشکلات در این راه به پیش رفت. رفیق مائوتسه دون خستود پیوسته کمونیست های چین را از چسبیدن به فرمولهای جدید و افتادن در دام گمانیستم بزرگوار داشته است و آنها را با ترویج مارکسیسم خلقی پرورش داده و سوسیالیسم خلق مارکسیسم - لنینیسم زنده و سوق داده است. تمام آثار رفیق مائوتسه دون در انطباق با این اصل است که "باید واقعیت یعنی را مید گرفت، قوانین را از آن بیرون کشید که در عمل راهنمای ما خواهند بود". این در حقیقت حال، در تمام زمینه های شناخت با بکار بستن این اصل، قوانین و احکامی بیرون کشید که راهنمای عمل حزب کمونیست چین قرار گرفت و خلقی چین را به پیروزی رسانید و اکنون نیز یگانگ پرولتاریا و سوسیالیسم را از دستبرد بورژوازی و ایدئولوژی وی حفظ میکند.

اندیشه مائوتسه دون چیزی جز مارکسیسم - لنینیسم نیست، ادامه و تکامل مارکسیسم - لنینیسم است. مارکسیسم - لنینیسم مجموعه تئوری ها و نظریاتی است که پایه تئوریک برای فعالیت عملی احزاب در مبارزه طبقاتی، در انقلاب پرولتاریائی و در ساختن سوسیالیسم است. مجموعه قوانین، احکام و اصولی است که احزاب کمونیست و کمونیست ها از آن در تئور و استراتژی و تاکتیک انقلاب راهنمایی میکند. اما برای تعیین استراتژی و تاکتیک اگر فرار کردن این قوانین و احکام و نظریات لازم و ضروری است ولی کافی نیست، باید بتوان این قوانین و تئوریها را بر واقعیت مشخص انطباق داد و در نتیجه باید واقعیت مشخص را بدستی شناخت. تمام دشواری کار در شناخت واقعیت مشخص و پیوسته در توانائی انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر این واقعیت مشخص است. اینجا است که خلعت آفرینند مارکسیسم - لنینیسم بروز میکند. هر اثر آنست که دانش پرولتاریا تکامل میابد و به قوانین و احکام و اصول تازه ای دست پیدا میکند تمام بزرگی و عظمت رفیق مائوتسه دون در اینست که دایمانه و با بهارت و روشنگاری مارکسیسم - لنینیسم را بر شرایط مشخص چین، بر شرایط کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال انطباق داد. اندیشه مائوتسه دون در این انطباق خلقی پدید آمد که اگرچه پارامی از قوانین و احکام آن اختصاص به کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودال نظیر چین دارد ولی در مجموع مانند مارکسیسم - لنینیسم جهانفصل است.

روزیونیسیم دشمن مارکسیسم - لنینیسم و ناگزیر دشمن اندیشه مائوتسه دون است. حمله و هجوم رویزیونیست ها به اندیشه مائوتسه دون از مبارزه آن علیه مارکسیسم - لنینیسم سرچشمه میکند. آنها در مبارزه با

فقط سوسیالیسم خلق های ایران را نجات خواهد داد

از کتاب سرخ

" هر پدیده نو همواره از راه پریچ و خم و در مبارزه با مشکلات رشد مییابد . خیال باطلی است اگر فکر کنیم که بسامر سوسیالیسم میتوان بدون برخورد با دشواریها و پیراهنهای پریچ و خم و بدون صرف حد اکثر نیرو و تحقیق بخشید ، و با فکر کنیم که کامیابی را با موافق برایگان میاورد و موفقیت سهل و سبک بدست میآید "

نامه . . . بقیه از صفحه ۱ مارکسیسم - لنینیسم در برابر رولین و نیمه مدرن ، در برابر مردان و خیانتکارانی از قشر خر و شجف ، برونز و دیگران با نام رفیق مائوتسه دون پیوندی صیق دارد . در آتش این نبرد با رولین و نیمه مدرن است که احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی با بحرصه وجود میگردانند و رشد مییابند .

زندگی و فعالیت آفریننده رفیق مائوتسه دون ، زندگی و فعالیتی که هیچگاه از خدمت پرولتاریا و خلق باز نماند ، الهام بخش همه انقلابیون و خلق های انقلابی است . در برابر این انقلابی بزرگ چیزی جز احساس احترام نمیتوان داشت . ما در برابر عظمت او سر فرود میآوریم .

در گذشت رفیق مائوتسه دون برای حزب کمونیست چین و خلق چین ، برای کمونیستهای سراسر جهان ضایعه بسیار بزرگی است . کمونیست ها و خلق های ایران در این لحظات تالم انگیز خود را در کار کمونیست ها و خلق چین احساس میکنند ؛ آنها با بهره از آموزش رفیق مائوتسه دون خواهند کوشید سرمازان شایسته ارتشی باشند که رفیق مائوتسه دون آموزگار و رهبر و فرمانده آنست ، آنها خواهند کوشید پرچم ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم ، اندیشه مائوتسه دون را تا پایان سرفراز و در اهتزاز نگاه دارند .

افتخار جاویدان بر رفیق مائوتسه دون آموزگار پرولتاریای جهان !

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

از کتاب سرخ

" هم نیروهای ارتجاعی و هم ما ، هر دو با دشواریها و مشکلات روبرو هستیم . مشکلات نیروهای ارتجاعی بر طرف نشدنی است ، زیرا آنها نیروهایی هستند که شرف زوال و آینده ناپذیری دارند ، و مشکلات ما رفع شدنی است زیرا کمونیستهای و طبقه پرولتاریا در خشان در پیش داریم . "

در منطقه خلیج فارس

کفرانسیز ایران امیر خا وجه کشورهای ساحلی خلیج فارس همچنان موضوع روز است . این کفرانسیز میبایست روز ۳۰ مرداد ۱۳۵۵ در مسقط پایتخت عمان تشکیل میشد ولی بعد از این زومه پیش آمد که کفرانسیز ایران امیر خا را با کشورهای همسایه در زمان تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جانشیه اجلاس این مجمع در نیویورک برگزار خواهد شد . بالاخره وزیر مشاور عمان در امور خارجه چندی پیش اعلام داشت که تشکیل کفرانسیز به ماه نوامبر موکول شده است . طبع تعویق بی دینی تشکیل کفرانسیز اختلاف نظریان کشورهای عربی خلیج فارس است و با حضور نیروهای نظامی ایران در امارت عمان بی ارتباط نیست . البته وزیر امور خارجه عمان تکذیب میکند که تعویق کفرانسیز به علت حضور ارتش ایران در عمان است و بر آنست که هیچ کشوری در این خصوص رسماً اعتراض نکرده است . اما عدم اعتراض رسمی به معنی رضایت نیست و این عدم رضایت کاملاً محسوس است و لولاً آنکه بصورت اعتراض رسمی تظاهر نکند .

نکته دیگر مورد اختلاف بر سر چگونگی " حفظ امنیت " منطقه خلیج است . ایران و برخی از امارات خلیج فارس مثلا عمان جنبه نظامی قرارداد را برجسته میکنند و بر آنند که برای حفظ امنیت منطقه باید میان کشورهای خلیج فارس همکاری نظامی بوجود آید . ایران در عین حال به جنبه اقتصادی نیز توجه

اندیشه . . . بقیه از صفحه ۱

مارکسیسم - لنینیسم ، به مارکسیسم - لنینیسم تظاهر میکنند برای آنکه احکام و اصول آنرا منع کنند و از مضمون انقلابی تپنی گردانند ، در حالیکه بماند بشما مائوتسه دون مستقیماً پیرو حمله میکنند .

اندیشه مائوتسه دون مانند مارکسیسم - لنینیسم عید انقلابی است و رولین نیست ها بعلت خصلت ضد انقلابی خود از اندیشه مائوتسه دون وحشت دارند و تمام قوت و فن تیز و روحیلمگری را بکار می اندازند که آنرا چیزی جز مارکسیسم - لنینیسم بنمایانند تا به دشمن خود با آن پایهای اصولی داده باشند .

رولین نیست ها مانند دیگر ایدئولوژیهای بورژوازی برای اندیشه مائوتسه دون واژه " مائوتیسم " و برای پیروان آن کلمه " مائوتیست ها " را اختراع کرده اند . آنها در قالب واژه " مائوتیسم " هر چه را که برده انان بنماید میریزند ، هرگز ایش انحرافی را از تروتسکیسم و آنارشیسم گرفته تا رولین و انواع چپ روی در آن می گنجانند برای آنکه ماهیت انقلابی و مارکسیستی آنرا پوشانند ، برای آنکه آنرا چیزی جز از مارکسیسم - لنینیسم بنمایانند . رولین نیست های ایرانی به امر فرمان ولینمستان روسی خود با پیشروی بر آنستند که " مائوتیسم . . . تنها یکی از جریانهای ناسالم و یکی از پراهنها نیست ، نقطه تلاقی بسیاری از آنها است " کنگریا نظریات گوناگون را از چپ و راست درهم میآمیزد . همین آقایان که امروز این دروغها و لاطافات را میگویند زمانی از آثار مائوتسه دون کتاب بالینی خود ساخته بودند ، در حل مسائل انقلاب از آنها مدد می گرفتند ، مانند طلاب علوم قدیمه هر گاه آنرا ساختها تفسیر میکردند . قطننامه پنجم چهارم درباره ماهیت انقلاب ایران با الهام از اندیشه های مائوتسه دون درباره ماهیت انقلاب چین شکل گرفت . آنها در آن موقع جملات و کلمات آثار مائوتسه دون را برای اثبات حقانیت نظر خود بر سر رولین یکدیگر میکوبیدند . اما اکنون که سوسیال امپریالیسم شوروی خواستار حمله و هجوم به حزب پراقتدار کمونیست چین و جمهوری تپنی است آنها بد نبال اربابان خود میروند و تمام هزینه رانی های بورژوازی روس را میگیرند و تحویل خوانندگان و شنوندگان میدهند و از اینکار شرم هم ندارند .

آنها برای مبارزه با اندیشه مائوتسه دون شیوه کیفی همیشگی خود را بکار میبرند : دروغ جعل ، تحریف ، جزاین هم نمیتوانند باشد چون نوشته های رفیق مائوتسه دون مانند کوه در میدرخشند ، درخششی که از ماهیت مارکسیستی - لنینیستی آنها آرد و بعلت سادگی و روانی برای همه کس قابل فهم است . ممکن نیست سخنان مائوتسه دون را آنطور که واقعا هست ذکر کرد و بعلت انقلابی مارکسیستی آنرا پوشانند . اینست که رولین نیست برای حمله به اندیشه مائوتسه دون باید به جعل و دروغ و تحریف بپردازد . به این سخنان پرمغز و زرق توجه کنید :

" در جهان فقط یک نوع تئوری ، حقیقت دارد و آن تئوری است که از واقعیت عینی بر میخیزد و در محک واقعیت عینی صحت خود را نشان میدهد . " یا این یک :

" فعالیت تولیدی جامعه انسانی قدم بقدم از سطح دانی به سطح عالی تکامل مییابد . بدین سبب شناخت بشر نیز از مرحله به مرحله طبیعت وجه درباره جامعه قدم بقدم از سطح دانی به سطح عالی یعنی از سطح بعضی و از یکجانبه به چند جانبی میگردد . "

یا این یک :

" وظیفه اساسی ارگانهای رهبری حزب کمونیست در امر مهم است : یکی شناخت او خاع آنطور که هست و دیگر درست بکار بستن سیاست . اولی شناخت جهان ، دومی تغییر آن . "

اثر دهمانه رفیق مائوتسه دون " درباره عمل " با زبانی ساده و با بیانی پرمغز و پرمضمون شما را به این حقیقت راهنمایی میکند که پراتیک سرچشمه معرفت و محک صحت آن است . اثر پر ارزش او " درباره تضاد " بسط و تکامل اصل دیالکتیکی " تضاد " است . در تاریخ مارکسیسم - لنینیسم شما برای اولین بار چنین نوشته جامعی درباره تضاد بر میخورید ، فراموش نکنید که این آثار هر دو در تابستان ۱۹۳۷ برشته تحریر و آمدند . اما رولین نیست ها راعیده بزبانست که مائوتسه دون اصلاً مارکسیسم لنینیسم را نمی شناخت به این دلیل که زبان خارجی نمیدانست و آثار بزرگان مارکسیسم نیز به زبان چینی ترجمه نشده بوده است ! انسان واقعاً در عبرت میماند که روشنفکران اپورتونیست تا چه درجه میتوانند در امتداد فروروند !

رولین نیست های ایرانی زمانی مردعایی ناواردی را بچنگ با استالین فرستادند تا " اشتباهات " اورانشان دهد ، آنها با این کار فضیحت بار آورده خود را با ختنند اما از رخشن استالین نگاستند ، اکنون مزدور دیگری را به نبرد با اندیشه مائوتسه دون فرستادند و دروغ پر از آنها ، جعلیات و تحریفات اورا که تکرار نوشته های ایدئولوژیهای بورژوازی شوروی است با امواج رادیویی سراسر ایران پخش کردند . اما خلق رفیق همه این تلا شها اکنون مجبورند اعتراض کنند که اندیشه مائوتسه دون در آن زمان انقلابیون ایران رضخ عینی دارد و به توجیه میکند که از " مائوتیست ها " بر چه بر باشند ، رولین نیست ها باید بدانند که در مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم به سر در خواهند آمد و اندیشه مائوتیسم - لنینیسم است . آنها همچون سنگانی میتوانند شب و روز غصه کنند ولی مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون از نورافشانی باز نخواهد ایستاد .

مرکز رفیق مائوتسه دون را از جنبش کمونیستی جهانی ریزد ، مغز مردی بزرگ از آرای بی باستان اما مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه پرفروغ مائوتسه دون زنده است و زنده خواهد ماند و همچون مشعلی فرا راه مارکسیست - لنینیست ها و خلق های انقلابی است .

مرکز رفیق مائوتیسم - لنینیستی جهان ضایعه های بزرگ و دردناک است . اما مارکسیست - لنینیست ها و خلق های انقلابی ماتم خود را به نیرو بدل خواهند کرد و پرچم پراقتدار مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتیسم را در سربلند و سرفراز نگاه خواهند داشت .

" انسان ناگزیر میبرد . ولی همه مرگها دارای ارزش مساوی نیستند . نویسنده باستانی چین " سیماجیان " مینویسد " همه کس میبرد ولی مرگ یکی ممکن است سنگین تر از کوه " تایی " و مرگ دیگری سبکتر از پر قو باشد . مرگ بخاطر نافع خلق سنگین تر از کوه " تایی " است . " این سخنان رفیق مائوتسه دون که سراسر زندگی خود را در خدمت خلق گذراند بر آنست که شخصیت بزرگ او است .

از کتاب سرخ

" حتی اگر موفقیت های عظیمی هم در کار خود بدست آوریم ، باز هم هیچ دلیلی نداریم که بخود غرور شویم و فخر فرماییم . توانایی انسان را پیش میرانند ، و تکبر انسان را باعث میاندازد . این سبب حقیقی است که همیشه باید آنرا برود نظر داشته باشیم . "

دارد . اما کشورهای دیگر بر آنند که کفرانسیز باید فقط به آزادی کشتی رانی در خلیج فارس بپردازد . آنچه برای کشورهای ساحلی خلیج فارس حائز اهمیت است همین آزادی کشتی رانی است که از جانب دولت ایران در معرض تهدید قرار گرفته است . بهبود نیست که مرستان سعودی از هم اکنون در فکر آنست که لاطل برای مد روز رفت ، خود را و امارات دیگر از آبهای خلیج بی نیاز گردانند .

سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس که جبری آن شاه ایران است ، سرکوبی جنبش های آزادی بخش خلق های منطقه به منظور حفظ سلطه خویش و جلوگیری از نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی در این منطقه است . شاه ایران اگر ده ها میلیارد دیگر هم به خرید اسلحه اختصاص دهد از

احتلا جنبش های آزادی بخش خلق های منطقه طبعی است و رولین نیست ها آمریکا نخواهد توانست جلو گرفت ، اما چه بسا شاه با سیاست دیوانه وار و عظمت طلبانه خود وضع منطقه را آنچنان درهم ریزد که نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی را تسهیل و پای افرازد بدینجا باز کند چنانکه در ایران باز کرده است .

خطاب بهمه... بقیمازصفحه ۴

سهمی از تاراج ایران نبود و در ضمن از انقلاب سوسیالیستی ایران بهره گیری کرد، در مسلح کردن شاه این جلد وطن فروش شرکت دارد. سازمانهای جاسوسی آمریکا و شوروی و مستشاران بر رویه قوتور سازمان امنیت اند. همه امپریالیستها در جاول و قارت خلقهای ط با هم وحدت دارند و شاه مظهر این وحدت است. ننگ و نفرت بر امپریالیستها یکنه و نو سرگ بر شاه طائین نوکر و سر سپرده بیگانگان. آزادی خلقهای ما تنها با بسنهای خوفشان حاصل می شود. اعتصابات و نظهرات و قیامهای کارگران و دهقانان شور وطن ما در سالها و روزهای اخیر، مبتن محتبای گروه عده خلقهای ماست که آماده فرود بر فرق کتف مزدوران امپریالیستها می یابند.

بر خیزید و به ما بیجا هنگام طیفه کارگر ایران به بیوندید تا حکام و متفکله خلقهای ایران را در صفی واحد و در راه انقلاب ایران بسیج کنیم.

بر خیزید تا به همراهی خلقهای ایران بساط پشاه سال حکومت ننگین و خیانتبار دودمان پهلوی را بر چینیم و ایران برای همیشه از چنگال جباران داخلی و خارجی برها نهم.

بر خیزید تا با هم سو جالهم را بر خرابه های دو هزار و پانصد سال حکومت زور و مستکبری بنا کنیم و در د به روان با ک همه شهیدان راه آزادی

فرود به همه زندانیان سیاسی

مرگ بر رژیم کتف دودمان پهلوی

زنده و بهر روز باد توفان بر چنار انقلاب ایران

کمیته عمومی سرخ تهران وابسته به

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

شنبههای... بقیمازصفحه ۴. دزدی و ارتشا و بازار - سیاه و... باین کشور بازگشته اند. کمبود ارزاق عمومی و مایحتاج روزمره مردم به یکی از مشکلات بیسابقه خلق شوروی تبدیل شده اند. نه فقط گوشت کماب است بلکه سبزی هم به مغز و سایر اقلام نیز نایابند. اندازه نانها کوچک شده است فروشگاههای دولتی حتی سبب زمین و بیاز هم ندارند. صف طول کم کم عادی شده است. بازار سیاه رواج یافته و از آنجا که قیمتها بالاست، فقط قشر معدودی قادر به خریدن اجناس نایابند.

رشد ناراضی مردم درودسته برونرا بر آن دانت تا "چارهای" بندیشند. در ماه مه اسام سرانجام پیشنهادی از طرف کاخ کرملین به مردم شوروی داده شد. بنا بر این پیشنهاد تزارهای نوبن از خلق شوروی میخواهند که در هفته یکروز (پنجشنبه ها) از خوردن گوشت خودداری کنند. متعاقب این دستور، اکنون مدتی است که فروشگاهها در روزهای پنج - شنبه از گوشت خالی اند. باین ترتیب روزهای پنجشنبه بنام "پنجشنبه" بدون گوشت لقب گرفته است!

بهروزاری نوحایتی شوروی برای آنکه خود را از خشم و غضب مردم در امان بدارد، "شنبه های کمونیستی" دوران لنین را برخ آنان میکند. از گوشت های مردم در آن دوران صحبت میدارد. مردم را دعوت به همکاری با دولت "سوسیالیستی" مینماید و این همه برای آنکه به وضع اسفناک کنونی که نتیجه ناگزیر سلطه خائنانه اوست سرپوشی گذارد. به همین خاطر دست بد امان گشته میشود. اما کیست که نداند کبوی مدتهاست سنتهای گذشته را وثیقه سبهاکریهای حال و آینده قرار داده است؟

اگر "شنبه های کمونیستی" در دوران جنگ و پسرای مقابله با معضلات ناشی از آن، با ابتکار بوده ها و بدست آنها و از پائین صورت گرفت، این پنجشنبه های روزیونستی برای رفع معضلات کنونی و بابتکار بهروزاری نوحاست شوروی، بدست آنها و از بالا ارائه داده شده است. اگر آن یکسی تلاشی بود انقلابی برای حفظ سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا، این دیگری یک نمونه از کوششهای ضد انقلابی است برای حفظ سرمایه داری و دیکتاتوری بهروزاری. اگر آن یکی درسد بود تا پرولتاریا را نجات دهد، این یکی در صد است تا بهروزاری را از سر معضلاتی که نتیجه سرشت استیلائی اوست رهاقی بخشد.

ولی اگر شنبه های کمونیستی توانست به اهداف خود دست یابد، پنجشنبه های روزیونستی و شعبده هائی نظیر آن هرگز نخواهند توانست به اهداف پایید خود دست یابند. تظاهرات عظیمی که اخیرا بهمن مناسبت در روستو و کسپف بوقوع پیوست بیان روشن این واقعیت است. خلق قهرمان شوروی که نمونه رفاه و آسایش خلق ۸۰۰ ملیونی جمهوری تودهای چین را می بیند و از پشتیبانی و بیعتام خلقهای شیفته آزادی و استقلال برخوردار است سرانجام بها خواهد خواست. وی هانگونه که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، جهانی را بوجد و سرور گشاید، اینبار نیز با انجام بخش دوم این انقلاب جشن پیروزند احمای سوسیالیسم را بها خواهد خواست.

این گناه ورزشکاران واقعی نیست که ورزش ایران در منزل در تمام مسابقات شکست خورد، این گناه رژیم است که فساد و تباهی در درگ وریشه آن رسوخ کرده و به علت خصلت ارتجاعی و ضد خلقی خود به کوچکترین کار مثبتی قادر نیست. ورزش ما نیز مانند تمام زمینه های اجتماعی دیگر سیرتقرایی پیورده است. علت شکست ورزش ایران در المپیک خودرریم است. مشکل این شکست و شکست های بی حساب دیگر شاه، خاندان پهلوی و بهروزاری حاکم است که همراه با حامیان امپریالیست خود سد راه ترقی و تکامل کشور باد تمام شئون می باشند. شکست ورزش ایران شکست ورزشکاران واقعی میهن ما نیست. برای اینان که خود در آتش آن میسوزند و به وضع ورزش در ایران و اوضاع نابسامان سازمان تربیت بدنی قوف کامل دارند این شکست بهرچوجه غیر منتظره نبود. از رژیم شاه انتظار کوچکترین موفقیت خطا است. شکست المپیک شکست رژیم شاه است. افشاگری عرضگی و بی لیاقتی رژیم در سطح جهانی است و بهمن جهت نمیتواند مایشتادمانی نباشد شاه، برعکس، از شکست منزلت به خشم آمد و بلافاصله دستور انحلال سازمان تربیت بدنی را صادر کرد تا بعد اوزارت بنام "وزارت جوانان" تاسیس کند. مثل اینکه صحبت بر سر کلمات و الفاظ است و اگر "سازمان تربیت بدنی" به "وزارت جوانان" تغییر نام دهد گویا هرقی بر خواهد گشت و ورزش ایران سر و صورت خواهد گرفت.

شاه از هم اکنون برای جوانان خواب تازمای دید ماست نه برای آنکه روح و جسم آنها را بهرورد بلکه برای آنکه روح و جسم آنها را بخدمت خویشی گیرد. هیبت! جوانان پرشور و شور ما چه در مقطع مبارزه مسالمت آمیز و چه در مقطع مبارزه مسلح، چه در داخل کشور و چه در خارج نشان داده و میدهند که آنان را نمیتوان رام کرد، نمیتوان ختم مقدس آنها را نسبت به شاه و رژیم منفروش فر و نشاند. شاه این امید را که از جوانان نیروی آرام و سربر باز بر خواهد برد.

در مقاله "بازگشت به عقب" توفان شماره ۱۰۸ بجای اصطلاح "چراغ الله" اشتباها "چراغ آله" آمده است که خوانندگان خود حتما بان بی بردمانند.

عنوان مکاتبات: X.DR. GIOVANNA GRONDA 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY حساب بانکی: X.DR. GIOVANNA GRONDA CONTO 17549/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

از کتاب سرخ

سیاست مید حرکت کلیه فعالیت های ملی یک حزب انقلابی است که در پیروسی و در نتیجه نهائی فعالیت های حزب تبلور مییابد. یک حزب انقلابی در اقدام بهر عملی اجبارا سیاستی اتخاذ میکند و در صورتیکه از اتخاذ یک سیاست صحیح سر باززند، بناچار سیاست اشتباه آمیزی در روش میگزیرد و چنانچه سیاست موجود را آگاهانه اجرائتکنند بناچار آنرا کور کرده مرحله عمل در میاورد... قبل از آنکه عملی انجام گیرد باید سیاستی را که طبق شرایط موجود فرمول بندی کرد ما می برای اعضای حزب و توده ها بروشنی تشریح کنیم. در غیر این صورت اعضا حزب و توده ها از راهنمائی های سیاسی حزب ماید و خواهند ماند، کور کرده عمل خواهند کرد و سیاست اشتباه آمیزی را اجراء خواهند نمود. (تکیه از ما است)

المپیک... بقیمازصفحه ۴. برای آن نیست که جوانان ما را نیرومند و تندرست پرورش دهد و وسائل لازم برای سلامتی و پرورش جسم در اختیار آنها بگذارد. درباری که خود بخاطر پول که هیچگاه چشم تنگ او را بر نمیکند مواد مخدر و رادریان جوانان شیوع مید هد تا از آنها عناصری ضعیف و زبون بسازد نمیتواند اقدامی در جهت سلامتی و نیروی جوانان بعمل آورد. سازمان تربیت بدنی که برادر رز و دوامد شاه بر آن نظارت دارد چنین وظیفهای برای خود نمی شناسد.

"سازمان تربیت بدنی وسیلهای است برای آنکه گامگاه کسانی در راه آن قرار گیرند و بود چه آنها بدزدند و حیف و میل کنند بخشی از آنها و بخش کلان آنها در دستنی به برابر شاه تقدیم دارند و سهمی هم خود از آن ببرند. تا رنجی این سازمان ملی ده تا پانزده سال اخیر جاکنی از صحبت این امر است: "سازمان تربیت بدنی" در عین حال وسیلهای تبلیغاتی در دست شاه است برای آنکه "قهرمان" تربیت کند که قهرمانانی که در صحنه بین المللی بدالبهای طلا را درو کنند و آوازه رژیم شاه را به اقصی نقاط عالم برسانند.

چه بسا ورزشکاران شایسته به علت طبع سرکشی خود و به علت فساد و خرابی دستگاه از تمرین محروم میشوند یا به مسابقات بین المللی راه نمی یابند و در عرض برخی نورچشمی ها بعنوان ورزشکار و قهرمان برای تفریح و خوشگذرانی بعنوان سیاهی لشکر به المپیک منزلت فرستاده شدند. اکثریت ورزشکارانی که به المپیک اعزام گردیدند از حد نصاب لازم برای شرکت در مسابقات تا چه رسد به درو کردن مدالهای طلا به مراتب پائین تر بودند معذک آنها را به منزلت فرستادند تا در مسابقات شرکت جویند. همین طبعیاتی که امروز بر روی شکست انگشت میگذاردند خوب مید انستند او هرکسی آنها میدا که کیفیت ورزش ما در سطحی نیست که بتواند در سطح جهانی عرض اندام کند.

از کتاب سرخ

دولادین واقعی که است؟ این در ولادین تودها هستند، ملیونها میلیون توده مردم که با صمیمیت و خلوص نیست از انقلاب پشتیبانی میکنند. اینست آئی در ولادین واقعی که هیچ نیروی رایاری در هم شکستن آن نیست؛ ضد انقلاب قادر بدرم شکستن آن نیست. ولی بعکس آنرا در هم خواهیم شکست. با گرد آوردن توده های ملیونی مردم بدور دولت انقلاب و کمترین جنگ انقلابی، ما خواهیم توانست ضد انقلاب را محو و نابود سازیم و سراسر چین را به تصرف در آوریم.

مبارزه بخاطر استقلال از مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم جدا نیست

بناسبت پنجاه سالگی دودمان پهلوی اعلامیه های چند ی
از طرف سازمانهای توفان در ایران بخش شده
است. مادرین یکی از آنها را می آوریم .

المپیک - افشاگر رژیم

بازنهای المپیک موزرال سطح "پیشرفت" رژیم شاه را این
بار در زمینه ورزش "لخت و غیران" به جهانیان نشان داد ،
در وقتها و لافزنیهای شاه و سردمداران رژیم را برملا کرد .
ورزش ایران در بازنهای المپیک آنچنان وامانده از آب درآمد
که همه آنرا بهاد استهزا و ریشخند گرفتند . مطبوعات ستایشگر
رژیم نیز نتوانستند با محافل المپیک هندوستان نشوند .

ایران در بازنهای آسیاتی مقام دوم را پس از ژاپن
احراز کرد ، همه فکر میکردند که در بازنهای المپیک نیز در مقام
شامی قرار خواهد گرفت . در زمان بازنهای آسیاتی مطبوعات
با تیتر نوشتند که ورزشکاران ایرانی مدالهای طلا را در
کردند . و انتظار داشتند که در بازنهای المپیک نیز چنین
باشد . اما چنین نشد . ورزشکاران آنطور که در واقع هست - در
رژیم شاه هم جزاین نمیتواند باشد - همانطور خود را نشان داد
در زمان بازنهای آسیاتی در پشت پرده زرمه هائی بگوشی
میخورد حتی بر اینکه در هائی با دریافت "هدیه" جانبازان
را میگرداند . حادثهائی که با ورزشکاران کره شمالی پیش آمد
این زرمه هارا تایید میکرد . رژیم شاه برای کسب افتخار
فلاپی در مقاس جهانی از بسط فساد به محیط ورزش بین المللی
نیاز پورائی ندارد . او وقتی خبرنگاران ، هنرمندان و دیگران را
با دادن هدایا و پذیرائی های مجلل به نوشتن مقالاتی در
ستایش از رژیم و خود او وامیدارد چرا در صحنه ورزش از این
"شوره" مرصیه اعراف کند . بازنهای المپیک نشان داد که این
زرمه ها واقعیت داشته است و اکنون روزنامه "آیندگان" که از
نتیجههای تبلیغاتی رژیم است در انتقاد از "رئیس دار الخلافه
ورزش" سرسخته مینویسد : مگر این جناب نمیدانست که مادر زاده
های خانگی و با لطف داران که همیشه شامل حال میزبانان

است در حقیقت از ورزشها در بازنهای آسیاتی به مز افتخار
رسیدیم (تکیه از ما است) . همه میدانند و نویسنده "آیند
گان" هم - که "لطف داران" در بازنهای المپیک موزرال شامل
حال میزبان نشد و اگر در ایران داورانی میزبان را مورد لطف
قرار دهند ، نکت آنرا باید در جای دیگری جستجو کرد ؟
مطبوعات رژیم که حالا "رئیس دار الخلافه ورزش" را آدمی
بی بصیرت در امر ورزشی میشمارند ، پیش از سفر ورزشکاران
ایرانی به المپیک با صاحب هائی که با "قهرمانان" برآمدند
مردم را به "در کردن" مدالهای طلا وعده دادند و افکار عمومی
را باز در بگردانند . اما اکنون بیاضحت ورزش ایران را بروی
دائرة میبریزند . "آبروریزی شد" و ما که میخواهیم و شایسته
برگزار کنند "المپیک باشم آنچنان در المپیک خوب خند میفریح
کارشناسان ورزشی کشورهای خارج شدیم که همگی با نکتسه
استهزام آمیزی از یکدیگر سوال میکردند براساسی کسوی گشته
ورزش تا به این حد گرفتار نابسامانی است آیا میتواند اصولا
برگزار کنند "یک المپیک باشد ؟"

روزنامه "رستاخیز" نیز از همکاران دیگر خود عقب نماند :
"ورزش ما در روز درست همان کاری را کرد که امروز آقای لختی
در وسط میدان به آن دست زد . ورزش ما جلوی چشم تمام
المپیک لخت شد و گفت آقایان ، خانم ها به بینید و تا شاکید
این همان صاحب مقام دوم آسیا است که از آنهمه طلا بازی و
طلا سازی یک مدال نقره آمیخته به اتفاق و یک مدال برنز شیرانه
و دلیرانه باخورد . از موزرال به تهران میبرد " و سپس ادامه
میدهد : چه برهنه هائی پیدا میشوند که میتوانند بهینه پرده
پوشان و پرده داران و اصحاب پرده و حتی حرفان پشت پرده
با رقصی شادمانه بگریزند که در پس پرده مخبری نیست و جلالت
نیست که در باره پشت پرده اینهمه پیشبرد خوانی شود .
نویسنده گویا نمیداند که شاه و سردمداران رژیم "اینهمه
پیش پرده خوانی" میکنند درست برای آنکه پشت پرده چیزی
نیست . آنها میخواهند بدروغ بقولانند که در پشت پرده چیز
های بسیاری است ولی گاهی حوادث ، مانند المپیک پته آنها را
بروی آید میبریزد .
در ایران "میزبان تربیت بدنی" بقیه در صفحه ۳

خطاب به همه انقلابیهای ایران

بر عزیزان و به توفان پرچمدار انقلاب ایران به پیوندید

انقلاب بر ما مبرود . خلقهای ایران دیگر نمیتوانند حکومت یک مفت مزد و عاثن را تحمل کنند . جان
مردم از اینهمه زور و خجالت و مسکری و جنایت به لب رسیده است . شاه این دیوی که با کودتای
ننگین ۲۸ مرداد زاده شد ، به دستکاری عدهای معلوم الحال ، جان و مال و ناموس مردم ایران را به
تاراج داده است . بهترین جوانان ما را کرده کرده به شکنجه گاهها و با بهای چوبه نار می فرستد .
ما مویرن جناختکار او در روز روشن سو کارخانهها ، عیالها و منازل مردم می گناه را به گلوله
می بندند . مردمی که نان ندارند ، طاقه ندارند از بهدانت و فرهنگ و هر چیزی که در خور انسانهاست
محرومند . فقر و سیه روزی همیگاه با این حد در ایران شروع نیافته بود . کارگران به نان شب
محتاجند و اگر معایبان در بیاید فوراً سازمان امنیت آنها را به گلوله می بندد و سر خون غرق می کند
دهقانان از بی غذایی گشته گشته به شهرها هجوم می آورند و در شهرها نیز بنیهای نمی یابند . در
عرض زمینهای آباد مملکت همه قوتست اسرا نیلها و آمریکا نیلها و یا گروهی ارباب مفتخوار است .

فساد و رشوه خواری در مملکت بهداد می کند . راهبر و تله و یزیدین ، سینهها ، مجلات و همه دستگاههای
تجلیفاتی خانان پهلوی شب و روز سرگرم نشر دروغ و فساد افغان هستند . سازمان امنیت این پناهگاه
مفتی نزد و چاقو کش ، بدین جوانان وطن ما هروقت و تریاک پخش می کند و از تجارز به جان و مال و
ناموس مردم ابلتت ندارد . در همین حال شاه که با تسه ۱۹ میلیون دلار انگلیس و آمریکا به حکومت
رسید در برابر شکمهای گرسنه و تنهای بومار خلق ما ، بی کمال وقاحت میلیاردها دلار در آمد مملکت
را دویستی تقسیم اربابان امیرالمستخود می کند . او تمام شئون وطن ما را به بیگانگان سپرده است
و برای آنکه ایقان در چپارل قیروتهای وطن ما آزاد باشند ، بساط خود گامگی گسترده است امروز اگر
کسی نام قانون را هم بچرد به زندان می رود . پنجاه سال حکومت حکومت دودمان پهلوی همه ننگ است و
خجالت و جنایت . نفایح این همه کاران آنقدر زیاد است که نمی توان برشمرده این ننگ را باید بسرا
بهمراهی خلق ایران ، متفکر و مسلح و به رهبری حزب بیفتاز طبقه کارگر ایران بر روی همه ننگ است
تاریخ پاک کرده . خلقهای ایران برای زدودن حکومت دودمان سیاه پهلوی بزودی بر خواهند خاست . شاه
که از چمن روزی وحشت ندارد ، در بیای وطن ما را بروی همه تاراج گران باز گذارده است و در مقابل از
آنها اسلحه میگیرد ، کمک میگیرد و برای آنها به سلطنت دودمان کتف پهلوی ، به فراستعمارگری ، به
آمریکا و شوروی ، به انگلیس و فرانسه و آلمان ، به هر کسی که بتواند پشتیبانی باشد تکیه می کند .
آمریکا میباید لگدی که بدست خلقهای قهرمان هندوچین به زانو می آید ، شاه را تا دندان مسلح می کند
و شاه هم برای خونسردی جوانان ما را غلای کر به جنگ خلق دلهر طهار می برد . بقیه در صفحه ۳

« شنبه های کمونیستی » و « پنجشنبه های رویزیونیستی »

بسرعت رواج یافت . طوینها نغز زحمتکشان شهر و ده دسته
دسته روزهای شنبه مجانان برای دولت به کاری پرداختند و این
وسيله با افزایش بهره دهی کار اوضاع نابسامان اقتصادی را
بهبود می بخشیدند .

لکن بزرگ در این زمینه میگوید : « شنبه های کمونیستی
کارگران راه آهن مسکو - غازان یکی از عناصر جاننده نوین
سوسیالیستی است که رهائی از یوغ سرمایه و جنگ را برای تمام
خلقهای کره زمین بهارنغان میآورد . و سپس ادامه میدهد که :
" این کارگران زحمتکشانی هستند که در شرایط بینهایت دشوار
بسر میبرند و آنوقت این کارگران گرنده که در احاطه تبلیغات
چند انقلابی و کین توزانه بورژوازی و خشوک ها و این ازها هستند
" شنبه های کمونیستی " برپا میدارند " و بدون هیچگونه چشم
داشتی بطور فوق العاده کار میکنند و با وجود آنکه خسته ،
رنجور ، بیوق و نینه گرنده هستند ، ناطح بهره دهی کار را
بمیزان عظیمی بالا میبرند . نگران بزرگترین قهرمانان نیست ؟
مگر این آثار طول داری اهمیت تاریخی جهانی نیست ؟ " .
سرانجام نیز طبق رهنمودهای دایمانه لنین کبیر و
بهت توده های طوین خلق ، دشمنان در هم شکسته شدند ،
مهد سوسیالیسم نجات یافت و اقتصاد سوسیالیستی تشکیل شد و
کشور شواراهاناری کار آمدن در آورده شد مرتد شرو نشد و
شعلی فریزان ، انوار آزادی و سوسیالیسم را در سراسر گیتی
ساطع ساخت .

از آن تاریخ تاکنون ۷۰ سال میگذرد . کشور شواراهان
بلافاصله پس از کودتای شفق خاخر ضا انقلابی در راه سرمایه
داری گام گذارد و هم اکنون پس از الحیا کامل سرمایه داری به
یکی از بزرگترین استثمارگران و شتکاران جهان گوی تبدیل
شده است .
در نتیجه اجبای سرمایه داری در روسیه - قطعی ،
گرمکنی ، کمبود مواد غذایی و همراه با سایر بلاهای جامعه
سرنایه داری نظیر احتکار ، تبعیض ، بقیه در صفحه ۳

در اواسط سال ۱۹۱۹ کشور جوان شواراهان برای دفاع
و بازستاندن ولگا ، اورال و سیبری جنگ سختی را بر طبقه
کجاک به پیش میبرد . کجاک با پشتیبانی امپریالیستهای
انگلیسی و فرانسوی به پیروزیهائی نائل آمد . بود و متروک
بود تا حکومت جوان شواراهان را در نطفه خفه سازد .

اوضاع اقتصادی کشور تحت تاثیر جنگ ، قحطی و عقب
ماندگی شدید کشور بسیار وخیم و نابسامان بود . قطعی ، کمبود
خوراکی ، گرسنگی و فقر بهداد میکرد . در چنین شرایطی دفاع
از مین سوسیالیستی ، پاسداری از سوسیالیسم و پیروزی بر
دشمنان داخلی و خارجی مستلزم حد اکثر فدکاری ، از خود -
گذشتگی و جانفشانی در راه آرمانهای حزب و دولت بود .

تحت رهبری آزوده " حزب کمونیست بلشوک و لنین بزرگ
مسئله راه نائی برای افزایش بهره دهی کار ، تقویت جبهه جنگ
بر طبقه دشمنان و پیروزی بر آنان مسئله روز سراسر کشور تبدیل
شد . روز هفتم ماه مه در یک جلسه عمومی که از کمونیستها و هواد آ
ران آنها تر بخش راه آهن مسکو - غازان تشکیل شد این
مسئله مطرح شد که بیابست از کفار در تاراه کک به پیروزی
بر کجاک به کردار پرداخته شود . پیشنهاد زیر بصوب رسید :
" نظر به وضع دشوار داخلی و خارجی و منظور تقوی بر دشمن
طبقاتی ، کمونیست ها و هواداران آنها باید بازم بردت
فعالیت خود بیفزایند و ... در روزهای شنبه بطور اضافی
۶ ساعت کار جسمانی انجام دهند تا بدینسان یک ارزش واقعی
حاضر و آماده بوجود آید . از آنجا که کمونیست ها نباید از
صرف نیروی جسمانی و بدل جان در راه انقلاب دریغ ورزند
کار مزدور میبایست مجانان انجام گیرد . پیشنهاد میشود که " شنبه
کمونیستی " تا اعزاز کامل پیروزی بر کجاک در سراسر ناحیه
معمول گردد ."

حزب بلافاصله این پیشنهاد را بهتیت گفت و لنین کبیر با
شور و شعف در خصوص اهمیت آن سخن گفت . بدین ترتیب
" شنبه کمونیستی " نه تنها در سراسر ناحیه بلکه در سراسر

دو صد گفته چون نیم کردار نیست